

شرایط ویژه و وضع مملکت بحرانی بود. روزی ۵۰ - ۶۰ تا ترور در ایران اتفاق می افتاد. در این شرایط نمی شود با «قربانت بروم و فدایت بشوم» کشور را اداره کرد.

حسینعلی نیری، رئیس دادگاه انتظامی قضات:



حسینعلی نیری، رئیس دادگاه انتظامی قضات درمورد اعدام های دهه شصت و به خصوص سال ۱۳۶۷ گفت:

آن برهه شرایط ویژه و وضع مملکت بحرانی بود یعنی اگر قاطعیت امام نبود شاید ما اصلا این امنیت را نداشتیم.

به گزارش اسپادانا خبر، او در مصاحبه مرکز اسناد انقلاب ادامه داد:

شاید اصلا وضعیت طور دیگری بود. شاید اصلا نظام نمی ماند. روزی ۵۰ - ۶۰ تا ترور در تهران و شهرهای دیگر اتفاق می افتاد. در این شرایط بحرانی باید چه کرد؟ باید حکم قاطعی داد. آن که دادگاه را اداره می کند و مسائل در دستش است باید مسئله را جمع کند. در این شرایط که نمی شود با «قربانت بروم و فدایت بشوم» کشور را اداره کرد.

او گفت:

اول که ما شنیدیم آیت الله محمدی گیلانی به عنوان حاکم شرع تهران انتخاب شده یک مقدار جا خوردیم. گفتیم نکند ایشان به اوضاع و احوال وارد نباشند و باعث جذب مردم نشوند ولی بعد که وقار و طمأنینه و اخلاق ایشان را دیدیم گفتیم امام خوب کسی را برای انتخاب کرده است. بحمد الله در آن شرایط حساس دادگاه ها را خوب اداره کردند یعنی اگر کسی غیر از ایشان بود شاید به این خوبی اداره نمی کرد. اول انقلاب بود، جو جامعه متلاطم بود مردم توقع داشتند گروه گروهِ اعدام کنیم اما ایشان با آن طمأنینه و وقار و سواد که داشتند بحمد الله در آن حدی که شایسته یک حاکم شرع بود محاکمات را خوب اداره کردند. درواقع نقطه ضعفی در آن پیدا نشد. توهین نمی کردند. برخورد معقول و خوبی داشتند. اگرچه طرف جانی یا ظالم بود و قتل عام کرده بود، ایشان جلسه دادگاه را خیلی با طمأنینه و اخلاقی اداره می کرد.

او در پاسخ به این سؤال می‌گویند کسی که در زندان بود و داشت حبسش را می‌گذرانند چه لزومی داشت که مجدد محاکمه شود؟ گفت:

این‌ها به خاطر همان پرونده محاکمه نشدند که این‌ها در زندان دوباره شلوغ کردند. در فضای زندان باز هم انسجام خودشان را داشتند. نه تنها رابطه تشکیلاتی داشتند بلکه تشکیلات جدیدی هم درون زندان به وجود آورده بودند. از راه‌هایی که می‌دانستند، از بیرون اطلاعات کسب می‌کردند. جو زندان دستشان بود و لذا توطئه‌های جدید در کار بود. اینطور نبود که آن‌ها فقط بخواهند ایام حبسشان را بگذرانند. این‌ها توطئه کرده بودند و هماهنگی از بیرون داشتند. یعنی عناد خودشان را می‌خواستند ادامه بدهند. این‌ها می‌گفتند ما ضرر اقتصادی به نظام بزنیم. سیم تلفن را قطع کنیم. لامپ را بشکنیم و ... با این‌ها که نمی‌شود نظام را سرنگون کرد. یعنی یک لجبازی‌های بچگانه‌ای که مثلاً مادر، بچه را تنبیه می‌کند، بچه می‌رود یک جایی یک حرکتی اذیتی می‌کند. مملکتی که این همه خرج دارد با چهار تا لامپ شکستن نظام سرنگون می‌شود اما ما دنبال بهانه می‌گردیم که فرد را آزاد کنیم. یک بچه 16 - 17 ساله که رفته چهار تا اعلامیه پخش کرده سابقه مبارزاتی هم ندارد و حالا به زندان آمده باید چه کارش کنیم؟ آزادش می‌کنیم پدر و مادرش برود. فضای زندان فضای آلوده‌ای است. اینجا اگر بماند بدتر می‌شود. خیلی از این‌هایی که جنایتکارند در زندان یاد می‌گیرند. اول به خاطر چاقوکشی رفته زندان ولی بعد می‌رود زیردست چهار تا حرفه‌ای راه جنایت را یاد می‌گیرد. زندان آدم را در جنایت ورزیده‌تر می‌کند لذا خیلی اوقات تلاش می‌کنیم این‌ها در زندان نمانند.

برچسب‌ها: [انقلاب](#) [1]

[تاریخ](#) [2]

[اعدام](#) [3]